یادداشت

سردار حسین رحیمی*

برهم خوردن امنیت روانی در نابسامانی فضای مجازی

گستره فضای مجازی این روزها همه مرزها و محدودیت‌ها را درنوردیده است و همه اتفاقات و حوادث صحیح و غلط، مهم و حساس، بدون هیچ آنالیز و فیلتری، دانسته و ندانسته از تأثیری که بر جامعه برجای می‌گذارد، صرفاً برای دیده شدن و کلیک خوردن بیشتر در فضای مجازی بارگذاری می‌شود. بارگذاری این گونه فیلم‌ها و تصاویر شاید سودی اندک برای ادمین یک پیج(مدیر صفحه) داشته باشد ولی واقعیت این است که انتشار برخی تصاویر موجبات تشویش اذهان عمومی و کاهش احساس امنیت و آرامش جامعه را در پی خواهد داشت و از سوی دیگر انتشار تصاویری مثل درگیری‌های خیابانی و قتل می‌تواند به نوعی موجبات ساده‌انگاری و لوث شدن موضوع را به دنبال داشته باشد. استمرار این موضوع باعث می‌شود هیچ محدودیت و معذوریتی برای بارگذاری هر نوع فیلم، چه از جنبه اخلاقی و چه از جنبه جنایی وجود نداشته باشد و بدون شک انجام لجام گسیخته این گونه اتفاقات نتایج نامطلوب بسیاری را چه از جنبه فردی و چه از جنبه اجتماعی به همراه خواهد داشت. دیدن تصاویری که دارای ممیزهای اخلاقی و جنایی است، توسط کودکان و نوجوانان می‌تواند تأثیرات نامطلوب بسیاری را به دنبال داشته باشد، به گونه‌ای که موجبات ناامنی و تشویش روحی و روانی آنان را فراهم کرده است و این عارضه و مشکل در زندگی آنها به انحای مختلف عوارض نامطلوب گوناگونی را به همراه داشته باشند، همچنانکه می‌تواند به نوعی خشونت و لاقیدی را در وجود آنان نهادینه کند، هر چند تهیه و وجود این گونه تصاویر می‌تواند به عنوان سند در اختیار پلیس قرار داده شود، ولی در هر حال انتشار بی‌قید و شرط این گونه تصاویر تبعات ناگوار و ناخوشایند بسیاری را به دنبال دارد که نیازمند ساماندهی و سازماندهی دقیق و شایسته است.

به طور حتم انتشار برخی تصاویر نامطلوب (قتل، درگیری، قمه‌کشی و فحاشی) می‌تواند به آرامی و به صورت چراغ خاموش فرهنگ یک جامعه را به قهقرا و تباهی بکشاند، لذا با تأثیری که اینگونه تصاویر در ناخودآگاه مخاطبان برجای می‌گذارند، به تدریج و ناخواسته نوعی ادبیات لمپنی و دون‌مایه جایگزین ادبیات رایج و فاخر یک جامعه می‌شود و همچنین قبح و وقاحت جرائم و اقدامات ناشایست می‌شکند و اینگونه رفتارهای نابهنجار به مرور زمان از سوی جامعه پذیرفته می‌شود و هنجارهای اجتماعی جای خود را به ناهنجاری‌ها می‌دهند. امروز انتشار تصاویر خشن و نامناسب ناخواسته به صورت ویژه بین کاربران فضای مجازی دست به دست می‌شود که در این میان انتشار این گونه موضوعات توسط برخی رسانه‌های داخلی بسیار تعجب‌برانگیز و تأسفبار می‌باشد که چرا یک رسانه داخلی که در حقیقت در چارچوب ضوابط و مقررات قانون مطبوعات باید عمل کند و رسالت شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش یک جامعه را برعهده دارد و به طور حتم معاند و مخالف قانون کشور نیست، با انتشار برخی تصاویر و موضوعات آن هم صرفاً سطحی و نابخردانه، امنیت و آرامش جامعه را مخدوش کند، لذا ایجاب می‌کند که سیستم‌های نظارتی به صورت ویژه بر عملکرد رسانه‌های مجازی نظارت لازم و بایسته را داشته باشند و همچنین لازم است بسترسازی مناسب برای ایجاد یک سامانه ملی فراهم شود و همچنین فرهنگ‌سازی لازم برای چگونگی استفاده کاربران از فضای مجازی به عمل آید.

انتشار این تصاویر در فضای مجازی موجب آلوده شدن این فضا می‌شود و نباید فراموش کرد فضای مجازی امروز جزئی از زندگی حقیقی ما محسوب می‌شود و به طور حتم تأثیر مستقیمی بر موضوعات اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد که همه باید تلاش کنند به سهم خود مانع از آلوده شدن این فضا شوند، چه بسا تصویر نامناسب و ناهنجاری که توسط هر کدام از ما در فضای مجازی بارگذاری و بازنشر داده می‌شود، به رغم میل باطنی ما توسط اطرافیانمان دیده نشود؟ لذا این مثال که «هر چه کنی به خود کنی/ گر همه نیک و بد کنی» نیز در فضای مجازی مصداق دارد.

*** فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

نرخ خودکشی در ایران معادل نصف میانگین جهانی است

رئیس مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی اعلام کرد، ایران دارای نرخ خودکشی منجر به مرگ ۵ در هر ۱۰۰هزار نفر است که این نرخ تقریباً نصف میانگین جهانی نرخ خودکشی است.

روزبه کردونی با استناد به داده‌های سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد: سالانه بیش از ۷۰۰هزار نفر در جهان بر اثر خودکشی جان خود را از دست می‌دهند و برآورد این است که به ازای هر خودکشی منجر به مرگ ۲۰ اقدام به خودکشی صورت می‌گیرد.

وی ادامه داد: در الگوی جهانی، خودکشی در مردان بیشتر از زنان است و ۵۸درصد خودکشی‌های منجر به مرگ در دنیا در سنین زیر ۵۰سال اتفاق می‌افتد.

وی با اشاره به نرخ خودکشی در دیگر کشورها گفت: برای نمونه نرخ خودکشی در قطر ۷/۴، در بحرین ۲/۷، در مراکش ۳/۷، در عربستان سعودی ۵/۷ و در امارات عربی متحده ۲/۵ است.

کردونی در ادامه گفت: نرخ خودکشی منجر به مرگ ۵ در هر ۱۰۰ هزار نفر در ایران نیازمند سیاستگذاری کارآمد برای کنترل و کاهش آن است اما باید تأکید شود مطابق گزارش‌های بین‌المللی، ایران در زمره کشورهای با نرخ پایین خودکشی و اقدام به خودکشی است.

اینجانب صدیقه صفری مالک خودروی سمند LXXU۷ به شماره شاسی NAAC۹۱CC۹DF۶۴۰۲۸۴ و شماره موتور ۱۲۴K۰۲۶۳۵۰۹ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نمایند، بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ظوابط مقرر اقدام خواهد شد.
البرز

سومین قصاص برای عامل قتل وحید مرادی

عامل قتل وحید مرادی در سومین دور از محاکمه هم با رأی قصاص از سوی قضات دادگاه روبه‌رو شد.

به گزارش «جوان» پرونده ۱۱ تیرماه سال ۹۷ با قتل یکی از اشرار معروف تهران به نام وحید مرادی در زندان رجایی شهر تشکیل شد. مقتول با ۱۶ سابقه کیفری، آخرین بار به اتهام قتل یکی از دوستانش در میهمانی شبانه حین فرار در مرز ایران و ترکیه دستگیر شد. او تیرماه همان سال راهی زندان رجایی‌شهر شد و روز حادثه حین هواخوری در زندان با دو گروه از زندانیان درگیر و با پنج ضربه چاقوی سه زندانی شرور به قتل رسید.

با به دست آمدن این اطلاعات مأموران با رصد دوربین‌های مداربسته و تحقیق از شاهدا، تعداد ۱۷ نفر از زندانیان را که در درگیری حضور داشتند، بازداشت کردند و با تحقیق از آنها مشخص شد عاملان قتل دو مرد جوان به نام‌های عباس و سعید هستند. سعید ۴۷ ساله با چند سابقه کیفری از جمله شرکت در سرقت مسلحانه از طلافروشی در لاهیجان و قتل منجر به رضایت در سال ۸۸، آخرین بار به اتهام قتل با شلیک گلوله به قصاص محکوم شده بود. او وقتی تحت بازجویی قرار گرفت با انکار جرمش گفت: «وحید در زندان کری‌خوانی می‌کرد و نام خودش را عقاب ایران گذاشته بود. او همه زندانیان را مجبور می‌کرد از دستوراتش اطاعت کنند. روز حادثه بعد از هواخوری به سلول برگشته بودم که ناگهان وحید و نوچه‌هایش با آب و روغن داغ در حالی که چاقو و قمه داشتند با ما درگیر شدند. فهمیدم یکی از آشناهای وحید در سالن پایین را باز گذاشته بود. باور کنید در آن درگیری ندیدم چه کسی وحید را به قتل رساند.»

دیگر متهم به نام عباس که سال ۸۵، به اتهام قتل یکی از اعضای خانواده‌اش دستگیر و با رضایت اولیای‌دم منتظر محاکمه بود، در بازجویی‌ها با انکار جرمش گفت: «وحید در زندان کری‌خوانی می‌کرد و می‌گفت کفتارها باید پایین و شیرها باید بالا بنشینند. روز حادثه نیز همراه ۵۰نفر از نوچه‌هایش با چاقو و آب‌جوش به ما حمله کردند و نفهمیدم چه کسی به او ضربه زد.»

با انکار متهمان، عباس تبرئه شد اما برای سعید به اتهام مباشرت در قتل و برای دیگر متهمان به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهمان در شعبه چهارم دادگاه محاکمه و به حبس محکوم شدند. سعید نیز با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد اما با نقض این رأی از سوی قضات شعبه ۳۹ دیوان، او بار دیگر در همان شعبه پای میز محاکمه رفت. متهم در دومین جلسه محاکمه بعد از پخش فیلم صحنه قتل در دادگاه بار دیگر به قصاص محکوم اما این حکم نیز در دیوان نقض شد.

به این ترتیب وی برای سومین بار در همان شعبه محاکمه و در آخرین دفاعش گفت: «در آن درگیری افراد زیادی بودند که ممکن است مقتول با ضربه چاقوی آنها به قتل رسیده باشد.» در پایان هیئت قضایی، با توجه به مدارک موجود در پرونده متهم را برای سومین بار به قصاص محکوم کرد.

نجات قاتل سالخورده با کمک خیرین

مرد سالخورده‌ای که از ۱۵سال قتل به اتهام قتل در بازداشت به سر می‌برد، پس از چند دور محاکمه با تشخیص قتل شبه‌عمد به پرداخت دیه محکوم شد. دیه مقتول با کمک خیرین و هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران پرداخت و متهم به زودی از زندان آزاد می‌شود.

به گزارش «جوان» روز ۱۸ آذر ماه سال ۸۵ مأموران پلیس تهران از درگیری خانوادگی در خانه‌ای باخبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه دریافتند لحظاتی قبل مرد جوانی با همسر و پدر همسرش درگیری خونینی را رقم زده است که در جریان آن مرد جوان از ناحیه ران پا زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، سه روز بعد از حادثه ۲۱ آذر تیم پزشکی اعلام کرد مرد زخمی روی تخت بیمارستان فوت کرده است. با اعلام خبر مرگ مرد جوان، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان داد در آن حادثه پدرزن مرد فوت شده که مرد ۵۰ ساله‌ای به نام احمد است با چاقو ضربه‌ای به ران دامادش زده است، بنابراین مأموران پلیس مرد میانسال را به عنوان مظنون به قتل بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به درگیری و اظهار پشیمانی گفت: مدتی بود دامادم با دخترم اختلاف داشت و باهم درگیر می‌شدند. روز حادثه آنها باهم درگیر شدند و من برای میانجیگری وارد درگیری شدم که دامادم با چاقو به من حمله کرد و در کشمکشی که داشتیم، چاقو به رانش خورد و او را زخمی کرد. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم از دخترم دفاع کنم که این اتفاق افتاد.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی در تاریخ ۲۲ اسفند ماه سال ۸۶ در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری به دیه محکوم می‌شود اما رأی دادگاه در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور نقض می‌شود و حادثه را عمد تشخیص می‌دهند که برای بررسی مجدد به یکی از شعبه‌های دادگاه کیفری فرستاده می‌شود. این بار هیئت قضایی متهم را به قصاص محکوم کردند اما با اعتراض وکیل متهم، دیوان عالی کشور حکم قصاص را هم نقض کرد و حادثه مرگبار را شبه‌عمد تشخیص دادند. پرونده برای سومین بار روی میز یکی از شعبه‌های کیفری قرار گرفت و هیئت قضایی هم رأی به شبه‌عمد دادند و متهم را به دیه محکوم کردند.

در حالی که متهم به دیه محکوم شده بود، همسر و پسر وی هنگام رفتن به ملاقات متهم به زندان رجایی‌شهر کرج در تصادفی جان خود را از دست دادند.

بدین ترتیب پس از گذشت ۱۵ سال از حادثه متهم موفق به پرداخت دیه به اولیای دم نشد که هیئت صلح و سازش مستقر در دادسرای امور جنایی تهران با کمک خیران دیه مرد فوت شده را پرداخت کرد.

به این ترتیب متهم پس از ۱۵ سال زندانی به زودی آزاد می‌شود.

پسر آتش‌افروز: لجبازی کردم

مرد معتادی که در جریان حادثه آتش‌افروزی، پدرش را به کام مرگ کشانده است، در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد و گفت به خاطر لجبازی حادثه را رقم زده است.

به گزارش «جوان» یک سال قبل مأموران پلیس تهران از حادثه آتش‌سوزی در خیابانی در شرق تهران باخبر و راهی محل شدند. بعد از مهار آتش، مشخص شد مرد سالخورده به نام مرتضی در آن حادثه فوت کرده است. وقتی در بررسی‌های بیشتر مشخص شد آتش‌سوزی عمدی بوده است، مادر خانواده مورد تحقیق قرار گرفت.

او گفت: «پسرم فرهاد معتاد است، به همین خاطر چند بار با ما درگیر شده بود. شب حادثه دوباره باهم درگیر شدیم. احتمالاً او از علت آتش‌سوزی باخبر است، چون بعد از حادثه خبری از او نیست.» وی ادامه داد: «زمان حادثه همراه پسر دیگرم به نام فرشاد و شوهرم در خانه بودیم که یکدفعه متوجه شعله‌های آتش شدیم. همان موقع من و فرشاد از خانه خارج شدیم اما شوهرم خواب بود و نتوانست خودش را نجات دهد.»

پس از مطرح شدن ماجرا فرهاد ۴۰ ساله بازداشت شد. او با اقرار به جرمش گفت: «مادرم باعث اعتیادم شد. او همیشه فرشاد را بیشتر از من دوست داشت و بین ما فرق می‌گذاشت. به خاطر اعتیاد شغل و درآمدی نداشتم و همیشه از مادرم پول می‌گرفتم. مدتی بود گوشم عفونت کرده بود، به همین خاطر آن روز پول دارو خواستم اما مادرم ۲۰هزار تومان داد. پول بیشتری خواستم اما او فهمید قصد خرید متادون هم دارم، به همین دلیل قبول نکرد.» متهم درباره شب حادثه گفت: «آن شب تحت تأثیر مواد، ظرف بنزین را برداشتم و در قسمتی از خانه پاشیدم و آتش زدم. فکر نمی‌کردم آتش‌سوزی شدید شود، به همین خاطر از ترس فرار کردم.»

با اعلام نظر کارشناسان پزشکی قانونی که علت فوت مرد سالخورده را خفگی بر اثر استنشاق گاز مونوکسید کربن اعلام کرده بودند، متهم به اتهام اقدام به قتل و همچنین تسبیب در قتل پدر به زندان رفت و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. روز گذشته متهم مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. ابتدای جلسه مادر و برادر فرهاد درخواست اشد مجازات کردند. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «تحت تأثیر مواد مرتکب جرم شدم. برادرم رفتار خوبی نداشت. روز حادثه نیز موادی را که در خانه داشتم برداشته بود و جایی مخفی کرده بود، به همین خاطر اعصابم به هم ریخت و به خاطر لجبازی نقشه انتقام کشیدم. باور کنید قصد قتل نداشتم و پشیمانم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

روایت خانواده غزل و سجاد از حادثه خونین

حادثه دلخراش قتل دختر اهوازی به دست شوهرش واکنش‌های بسیاری را به همراه داشته است. این پرونده در حال حاضر از سوی پلیس و دستگاه قضایی در حال بررسی است. هر چند حادثه پیوست‌های بسیار اجتماعی دارد که باید از سوی دانشمندان علوم اجتماعی بررسی شود، با این حال مطرح شدن برخی موضوعات از جمله قاچاق دختران در اظهارات پدر غزل، باید از سوی پلیس مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد و عاملان آن بازداشت و مجازات شوند.

پدر «غزل حیدرنوا» به فارس گفته است دخترش بدون هیچ اجباری با سجاد که در بازار کار می‌کرد، ازدواج کرد. او گفت: دخترم هنگام ازدواج سن کمی داشت، برای همین از دادگاه گواهی رشد عقل گرفتیم و سجاد هم زندگی خوبی برای دخترمان فراهم کرده بود، البته بین‌شان دعوای زن و شوهری وجود داشت و دخترم گاهی به حالت قهر به خانه می‌آمد. او درباره ناپدید شدن دخترش گفت: چند ماه قبل دخترم بعد از خروج از خانه سوار یک پراید شده و به ترمینال خرمشهر رفته است. وقتی تحقیق کردیم، متوجه شدیم هیچ دوربینی پلاک آن پراید را ثبت نکرده است تا اینکه دخترم از ترکیه تماس گرفت و گفت که به آنجا رفته است. به هر حال ما از پلیس بین‌الملل کمک خواستیم و همراه پدر سجاد به ترکیه رفتیم و غزل را در یک کمپ پیدا کردیم. او گفت که فریب‌خورده و به دام قاچاقچیان دختران افتاده است. او می‌گفت بعد از اینکه در خرمشهر سوار ماشین شده، به تهران رفته و آنجا از سوی دو نفر از آنها مورد تعرض قرار گرفته و سپس از مرز خوی به ترکیه منتقل شده است. آن قاچاقچیان از سوی مردی سوری به نام عبد جمونگ اجیر شده بودند که در حال حاضر این مرد در ترکیه بازداشت شده است. ما وقتی متوجه شدیم از او خواستیم دخترم را برگردانند و در دو مرحله ۱۶۶ میلیون به حسابش پول ریختیم اما دستمان به جایی بند نشد.

پدر غزل درباره بازگرداندن دخترش هم گفت: پنج‌شنبه هفته قبل او را به ایران برگرداندیم. قرار شد روز یک‌شنبه دخترم را برای انجام کارهای قانونی به کلانتری تحویل بدهم و به دنبال پرونده قاچاق دختران در اهواز بروم. همان روز پدر سجاد خودش را رساند و خواست که غزل را به پلیس تحویل دهیم، چون سجاد تهدید به قتل کرده بود و جای دخترم پیش پلیس امن بود که در مسیر رسیدن به اداره پلیس سجاد راه خودرو را سد کرد و حادثه را رقم زد.

■ روایت مادر قاتل

مادر سجاد هم در شرح ماجرا گفت: حدود چهار ماه قبل بود که غزل ناپدید شد و تلاش ما هم برای پیدا کردن او فایده نداشت تا اینکه بعد از یک هفته دوستانش خبر دادند او در ترکیه است. سجاد و غزل همدیگر را دوست داشتند و ما عروسی سجاد و برادرش را در یک شب برگزار کردیم و برایشان کم نگذاشتیم.

او درباره انگیزه فرار غزل گفت: غزل آنطور که برای دوستانش شرح داده است، در اینستاگرام با مردی سوری آشنا می‌شود. آن مرد غزل را فریب می‌دهد، به طوری که او را مجبور می‌کند جنین خودش را سقط کند. به محض اینکه غزل به ترکیه می‌رود، این مرد غزل را عقد می‌کند. غزل که به این مرد سوری اعتماد کرده بود، شروع به ارسال عکس‌های خود با آن مرد می‌کند، دوستانش ما را در جریان تمام جزئیات می‌گذاشتند. پسرم هر روز کنترل خود را از دست می‌داد و نمی‌توانست بر اعصابش مسلط شود، مخصوصاً که بازاری بود و اطرافیان چپ و راست غیرت و مردانگی وی را تحریک می‌کردند. پسرم تهدید کرده بود، غزل را می‌کشد، برای همین پدر غزل و پدر سجاد درصدد مخفی کردن غزل و تحویل آن به کلانتری بودند. روز یک‌شنبه غزل را سوار ماشین کردند تا تحویل کلانتری بدهند اما سجاد حرکات پدر و عمویش را زیر نظر داشت و به همراه برادرش جلوی ماشین را می‌گیرند و ظهر همان روز آن اتفاق می‌افتد.

مادر کرمانی چهار قلو به دنیا آورد

مادر ۲۶ ساله کرمانی در دومین زایمان خود چهار قلو به دنیا آورد.

فرزندان چهارقلوی این مادر کرمانی شامل یک پسر و سه دختر هستند که در هفته ۳۴ بارداری به دنیا آمده‌اند.

آن گونه که روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی کرمان گزارش داده، حال مادر و نوزادان خوب است و وزن نوزادان از یک کیلو و ۱۰۰ تا یک کیلو و ۷۵۰ گرم است. دو نوزاد روز گذشته مرخص شدند اما دو نوزاد دیگر به دلیل نارس بودن و نیاز به مراقبت‌های بیشتر در بخش ان‌ای‌سی‌یو نوزادان بستری هستند و تا چند روز دیگر مرخص خواهند شد. پدر خانواده هم طلبه است و ۲۷ سال دارد. او خواستار حمایت مسئولان و خیران برای چهارقلوها شده است. این خانواده اکنون دارای چهار دختر به نام‌های زینب، ریحانه، زهرا، فاطمه و یک پسر به نام علی است.

مفقودی

برگ سبز خودرووسواری سیستم: پژو تیپ: PARSXU۷ رنگ: سفید مدل: ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ۲۴۴ ل ۴۱ ایران ۹۴ شماره موتور: ۱۲۴K۱۶۳۲۰۶۹ شماره شاسی: NAAN۰۱CE۱MK۰۸۶۸۶۲ به مالکیت خانم نیلوفر محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
هرمزگان

مفقودی

سند کمپانی و کارت خودرووانت سیستم: پیکان تیپ: ۱۶۰۰i رنگ: سفید - روغنی مدل: ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۱۴۸ ص ۱۵ ایران ۹۴ شماره موتور: ۱۱۴۸۸۱۱۱۴۳۶ شماره شاسی: NAAA۳۶AA۰AG۲۰۸۸۷۶ به مالکیت آقای محمد نعمت پور با شماره کد ملی ۷۹۴۸۱۷۱۱۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
هرمزگان

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سعیدرضا برزگر به وکالت از طرف مالک آقای حمید زارع رودبزانی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ زمین به مساحت ۱۵۶.۷ متر مربع قطعه ۴۸ تفکیکی به شماره ۱۴۰۷ فرعی از ۱۵۷ اصلی مفروز از پلاک ۱۳۵۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به نام مالک فوق ثبت و صادر گردیده که مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.
مسلم مرز آرا- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج - م/الف: ۷۷۳ /ف

« آگهی فقدان سند مالکیت »

نظر به اینکه آقای محمود صادقی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکباب آپارتمان به شماره پلاک ۱۵۵۰ فرعی از ۳۱۵ فرعی از ۲۳۹-اصلی بخش نه مشهد، به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد ششدانگ پلاک مذکور به نام آقای علی اکبر تپه جنگی ثبت و سپس مع الواسطه برابر سند قطعی شماره ۱۸۲۸ مورخ ۱۳۸۱/۰۸/۰۱ دفتر خانه ۲۸ مشهد به نام نامبرده انتقال که ذیل شماره ثبت ۱۵۳۶۵۳ دفتر ۷۷۰ صفحه ۳۷۰ ثبت شده است سند مالکیت به شماره ۷۰۱۳۷۱ صادر گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
بشیر پاشایی ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس / م الف ۶۸۱

« آگهی فقدان سند مالکیت »

نظر به اینکه آقای قربانعلی فکور به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکباب منزل مسکونی به شماره پلاک ۳۹۷ فرعی از ۶۵-اصلی بخش نه مشهد، به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد ششدانگ پلاک مذکور به نام آقای علی اکبر تپه جنگی ثبت و سپس مع الواسطه برابر سند قطعی شماره ۱۸۲۸ مورخ ۱۳۸۱/۰۸/۰۱ دفتر خانه ۲۸ مشهد به نام نامبرده انتقال که ذیل شماره ثبت ۱۵۳۶۵۳ دفتر ۷۷۰ صفحه ۳۷۰ ثبت شده است سند مالکیت به شماره ۷۰۱۳۷۱ صادر گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
حمیدرضا افشار ثبت اسناد و املاک ناحیه ۴ مشهد مقدس / م الف ۶۸۰